

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 1, Spring 2022, 361-378
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.35181.2152

A Critique on the Book ***Everyday Life of the Urban Precariat***

Baharak Mahmoodi*

Abbas Varij Kazemi**

Abstract

This article has been written with the aim of critical study on the book *Everyday Life of Urban Precariat (2013-2011)* written by Alireza Sadeghi. This book is considered as a collection of works written in the theoretical-methodological tradition of Bayat and according to the author, it is readable in the continuation of Bayat's book "Street Policies" which was written in 1997. The results of this critical study show that although the information and evidence presented in the book, which has been analyzed in an ethnographic manner, indicate the depth and breadth of this research, the fact is that the book is one of its original examples of "street politics". He has not stepped beyond. Also, showing the negligence and insignificance of the role of the poor in reproducing the inferiority situation and urban irregularities is a point that can be seen in the design and summary of the present book.

Keywords: Everyday Life, The Urban Precariat, The City, The Resistance, Neoliberalism.

* Assistant Professor, Department of Journalism, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran,
(Corresponding Author) Baharak.mahmoodi@atu.ac.ir

** Associate professor, Department of Cultural Studies, Institute for Cultural and Social Studies,
Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran, AV3kazemi@gmail.com

Date received: 01-11-2021, Date of acceptance: 26-02-2022



نقدی بر کتاب زندگی روزمره تهی‌دستان شهری

تطهیر تهی‌دستی

بهارک محمودی*

عباس وریح کاظمی**

چکیده

این مقاله با هدف مطالعه‌ای انتقادی بر کتاب زندگی روزمره تهی‌دستان شهری (۱۳۹۰-۱۳۹۲)، به‌قلم علیرضا صادقی، نوشته شده است؛ کتابی که حاصل پژوهش مقطع دکتری نویسنده است و اولین چاپ آن به پاییز ۱۳۹۷ بازمی‌گردد. این کتاب از مجموعه آثاری به‌شمار می‌رود که در سنت نظری-روشی آصف بیات نوشته شده است و به‌گفته نویسنده، در ادامه کتاب سیاست‌های خیابانی بیات، نوشته به سال ۱۹۹۷، خوانش‌پذیر می‌شود. در این مقاله، تلاش کرده‌ایم تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی به نقد ساختاری و محتوایی کتاب حاضر بپردازیم. حاصل این کتاب به‌لحاظ ساختاری به اصول پژوهشی وفادار و حاوی نتایجی بسیار مهم در شناخت تهی‌دستان شهری در دهه ۱۳۹۰ است، اما نتایج حاصل از این مطالعه انتقادی نشان می‌دهد که هرچند اطلاعات و شواهد ارائه‌شده در کتاب، که با روشی مردم‌نگارانه تحلیل شده‌اند، حکایت از عمق و ابعاد گسترده انجام این تحقیق دارند، واقعیت این است که کتاب از نمونه اصلی خود، یعنی سیاست‌های خیابانی، پراثر نگذاشته است. هم‌چنین، بی‌توجهی و کم‌رنگ نشان‌دادن نقش تهی‌دستان در بازتولید موقعیت فرودستی و بی‌نظمی‌های شهری نکته‌ای است که در طراحی و جمع‌بندی کتاب حاضر به‌چشم می‌خورد.

کلیدواژه‌ها: زندگی روزمره، تهی‌دستان، تهی‌دستان شهری، شهر، مقاومت، نولبرالیسم.

* استادیار روزنامه‌نگاری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

Baharak.mahmoodi@atu.ac.ir

** دانشیار، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، AV3kazemi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷



۱. مقدمه

مطالعات فرودستی در ایران پیشینه‌ای چندان طولانی ندارد؛ پیشینه‌ای که تلاش می‌کند تاریخ را نه از بالا که از نگاه طبقات پایین جامعه روایت کند. ازاین‌روست که مطالعه علیرضا صادقی درباره شیوه‌های زیست روزمره تهی‌دستان شهری و تاکتیک‌های تاب‌آوری آن‌ها در شهرهای نولیبرال امروزی ضروری به‌نظر می‌رسد. البته، هم‌چنان‌که نویسنده نیز بیان می‌کند، این کتاب را باید در ادامه کتاب سیاست‌های خیابانی، نوشته آصف بیات، مطالعه کرد. ازاین‌رو، کتاب تصویری متفاوت با جامعه ایران بعد از سه دهه از مطالعه بیات در اختیار ما قرار می‌دهد. بیات جنبش تهی‌دستان شهری را، درست در آستانه انقلاب، هدف مطالعه خود قرار می‌دهد که چگونه درعین‌بی‌توجهی فضای رسمی به تصرف خیابان‌ها، هتل‌ها، و ساختمان‌ها به فعالیت خود پرداختند و جایی برای خود در زندگی شهری باز کردند. باین‌حال، در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ موضوع تهی‌دستان شهری در حاشیه مطالعات اجتماعی در ایران قرار داشت.

در دهه ۱۳۹۰ موضوع فرودستی و تهی‌دستان شهری تا اندازه زیادی موردتوجه پژوهش‌گران جوان قرار داشته است، به‌گونه‌ای که به‌تدریج درحال تبدیل شدن به الگوی مسلط در مطالعات علوم اجتماعی است. برای مثال، «تجربه روزمره کارگران میدان میوه‌وتره‌بار» (۱۳۹۳)، مطالعه مربوط به «زندگی کارگران پروژه‌ای در جنوب» (۱۳۹۴)، کتاب در تقاطع سنت، فقر و جنسیت (۱۳۹۸) که به زندگی زنان کارگر در جنوب شهر تهران پرداخته، و هم‌چنین مطالعه سپیده سالاروند (۱۳۹۹) که زندگی کودکان کار افغانی در ایران را موردتوجه قرار داده است.

فارغ از این کارها، پژوهش‌های دیگری هم هستند که در این سال‌ها هریک از زاویه‌ای به مطالعه گروه‌های فرودست در جامعه پرداخته‌اند؛ از جمله مطالعه شهرام‌نیا، کوراوند، و فدایی ده‌چشمه که در سال ۱۳۹۹ با نگاهی تاریخی به نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان در سه روی‌داد مهم تاریخی ایران پرداخته‌اند؛ مطالعه فتاحی‌زاده و عبداللهی که در سال ۱۳۹۸ به مسئله عاملیت سیاسی فرودستان در تاریخ فرهنگی ایران پرداخته‌اند؛ مطالعه مریم ایشاری و علی شجاعی زند که به زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری زیست غیررسمی زباله‌گردی در تهران پرداخته‌اند (۱۳۹۹)؛ محمد غزنویان در اثری با عنوان تأملاتی درباره خارج از محدوده (۱۳۹۵) تلاش کرده تا با پرداختن به موضوع حاشیه‌نشینی، روایتی از محذوفان

شهری را ارائه دهد و به‌گفته خودش آن‌ها را از حاشیه به متن بیاورد. نکته این‌جاست که می‌توان مطالعه حاضر را در امتداد نقد به گسترش شهر نولیبرال فهم کرد؛ شهری که منطق بازار در آن بر اولویت‌های فردی قرار می‌گیرد. نویسنده با مطالعه زندگی روزمره تهی‌دستان در واقع بر صورت‌بندی‌های جدید از شهر نولیبرال در دهه ۱۳۹۰ نقد وارد می‌کند.

۲. مروری بر فصول کتاب

کتاب به نویسندگی علیرضا صادقی در هفت فصل نوشته شده است. این کتاب، که برگرفته از رساله دکتری نویسنده به‌شمار می‌رود، به‌گفته او با انجام بازنگری و افزودن مطالب جدید به متن رساله توسط انتشارات آگاه در ۲۸۴ صفحه به‌چاپ رسیده است.

نویسنده در این کتاب تلاش می‌کند تا نشان دهد: «زندگی تهی‌دستان شهری پویاتر و پیچیده‌تر از آن است که با ترمینولوژی دوجبهی تسلیم یا خیزش اعتراضی تحلیل و داوری شود» (صادقی ۱۳۹۸: ۱۰)، زیرا معتقد است این گروه اگرچه ابزار مدنی و قانونی کافی برای دفاع از منافع خود ندارد، به این دلیل نمی‌توان آن‌ها را پذیرندگان منفعل فرمان‌های بالادستان قلمداد کرد. تلاش این کتاب نشان‌دادن این نکته است که تهی‌دستان به‌نحوی معطف و متناسب با شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه در برابر «سیه‌روزی برنامه‌ریزی‌شده» مقاومت می‌کنند... و با استفاده از استراتژی‌ها و روش‌هایی در زندگی روزمره‌شان نقش خود را بر تغییرات وسیع حک کرده‌اند (همان). از پایین، «استراتژی‌ها و شیوه‌های عمل تهی‌دستان را برای ادامه بقا و بهبودبخشیدن به زندگی‌شان» (همان: ۱۰) روایت کرده و نشان داده است که تلاش‌های این گروه کوچک و پیش‌پاافتاده به‌نظر می‌رسد، اما به تغییرات اجتماعی بزرگ‌تری منجر خواهد شد.

در فصل نخست این کتاب به توضیح برخی از مفاهیم اصلی مربوط با موضوع پرداخته شده است. مفاهیمی چون «نولیبرالیسم»، «سیاست تهی‌دستان شهری»، و «عمل روزمره» که نویسنده سعی کرده است این مفاهیم را با در نظر گرفتن مطالعات رایج در این‌باره بسط و توضیح دهد. در این فصل، که با عنوان «نظریه و روش» آمده است، شهر نولیبرال شهری «بازارمحور» توصیف شده که با منطق بازار شکل گرفته است و ربط چندانی به نیازهای ساکنانش ندارد و آنچه مهم است «منافع فردی یا شرکتی» است، نه «دغدغه‌های عمومی». علاوه بر این‌ها، این شهرها با مقررات‌زدایی و خصوصی‌شدن فرایندهای تولید تعریف می‌شوند و نکته این‌جاست که در این کتاب، نولیبرالیسم ایرانی در پیوند با میراث ریشه‌دار

پوپولیسیم در این کشور توضیح داده می‌شود؛ میراثی که به گفته نویسنده مطالعه آن با الهام گرفتن از آثار متفکرانی چون فوران، بیات، مقدم، و آبراهمیان به بحث و نظر گذاشته شده است (همان: ۱۳-۱۶).

می‌خواهم نشان دهم که پس از جنگ "پوپولیسیم جهان سومی"، تحت الشعاع تجدید ساختار سرمایه‌داری، چگونه جای خود را به پوپولیسیم نولیبرال داد... پروژه‌ای که با بازاری کردن قلمروهای اجتماعی در عمل به تنش‌ها و تضادهایی می‌انجامد که به اشکال مختلف راه را برای رفتارهای ضد قدرت فرودستان باز می‌کند (همان: ۱۶-۱۷).

صادقی در ادامه به مروری بر مطالعات تهی‌دستان پرداخته و به این نکته اشاره کرده که بیش نظری حاکم بر این کتاب تحت‌تأثیر آثار آصف بیات، استاد دانشگاه ایلینوی در آمریکای شمالی، است که در آثارش به سیاست فرودستان و تهی‌دستان شهری تأکید دارد. باتوجه به این که نتایج مطالعه بیات در کتاب *سیاست‌های خیابانی* مربوط به سال‌های پیش و پس از انقلاب ۱۳۵۷ است، نویسنده به این مسئله اشاره می‌کند: «وقوع برخی تحولات اجتماعی در دهه‌های اخیر، مواد و مفاهیم تحلیلی جدیدی را به دستگاه فکری او وارد کرده... که منجر به صورت‌بندی نظریه "پیش‌روی آرام مردم عادی" شده است» (همان: ۱۸)؛ نظریه‌ای که به نظر می‌رسد شاکله اصلی مفصل‌بندی نظری این کتاب به‌شمار رود، زیرا در پایان این بخش نویسنده بر این موضوع تأکید می‌کند: «آنچه زندگی اجتماعی محروم‌شدگان شهری را توصیف می‌کند اساساً پرکتیس "زندگی روزمره" است: یک هستی اجتماعی که با خودمختاری، انعطاف‌پذیری و عمل‌گرایی توصیف می‌شود» (همان: ۳۱).

صادقی در همین فصل در توضیح «عمل روزمره» به نظریه بیات ارجاع می‌دهد و به این نکته اشاره می‌کند:

اقتصادهای نولیبرال تهی‌دستان شهری را به انتخاب استراتژی عملی "پیش‌روی آرام" سوق داده است. به این معنا که آن‌ها نه به شیوه‌های رسمی که عمدتاً از آن‌ها طرد شده‌اند، بلکه با فعالیت‌های عادی روزمره در قلمروهای "غیررسمی" حضور خود را برای بهبود زندگی‌شان ابراز می‌کنند (همان: ۳۴).

فعالیت‌هایی که می‌توانند در نهایت تغییراتی در پیکره شهر به وجود آورند؛ تغییراتی که نه با کردارهایی چون بسیج و اعتراض، که با اعمال روزمره پدید می‌آیند و اعمالی نظیر

نقدی بر کتاب زندگی روزمره تهی‌دستان شهری ... (بهارک محمودی و عباس وریج کاظمی) ۳۶۷

طرفه رفتن، سمبل کاری، پنهان کاری، مخالفت‌های یواشکی، خراب کاری، تزویر و خدعه، شایعه‌پراکنی، غیبت‌های مغرضانه، غرولند و نوشتن نامه‌های اعتراضی بی‌نام‌ونشان که نویسنده به‌نقل از جیمز سی اسکات (James C. Scott) بدان‌ها اشاره کرده است (همان: ۳۶-۳۷).

در پایان این فصل، صادقی روش‌شناسی مطالعه خود را با جزئیات بیش‌تری توضیح داده است که در بخش‌های بعدی مفصل درباره آن سخن خواهیم گفت.

اما فصل دوم این کتاب، با عنوان «پوپولیسم و نولیبرال»، که به‌نوعی رویکرد نظری حاکم بر این کتاب را توضیح می‌دهد، می‌کوشد تا با بهره‌گیری از رویکردی تاریخی از سال‌های پس از انقلاب تا دوران موردنظر در تحقیق، نشان دهد که پوپولیسم سیاسی مهم‌ترین و فراگیرترین نیروی پیش‌برنده نولیبرالیسم بوده است، چراکه دولت‌ها با آنچه نویسنده کتاب پوپولیسم نولیبرال می‌نامد «تا سرحد ممکن از مسئولیت‌های اجتماعی خود عقب‌نشسته‌اند و بیش از پیش تأمین نیازهای تهی‌دستان را به بازار سپرده‌اند» (همان: ۴۴).

صادقی از سال‌های ابتدایی پس از انقلاب، سال‌های جنگ، و هم‌چنین دولت اصلاحات و دولت نهم اشارات و مثال‌هایی می‌آورد که همگی بیان‌گر این نکته‌اند که دولت‌ها یکی پس از دیگری بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری سودآور ترغیب کرده‌اند، درحالی‌که به‌دلیل تفوق سرمایه تجاری و نامولد کسب‌وکارها معطوف به سوداگری و دلالی، خدمات، و املاک و مستغلات شدند و هم‌چنین خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی نه‌تنها مسئله رفع بی‌کاری را پیچیده‌تر کرد، بلکه موجب ناامنی شغلی و اخراج گسترده کارگران در نتیجه امکان استفاده از نیروی کار غیررسمی شد و شهر بیش از پیش به‌نفع ثروت‌مندان توسعه یافت (همان: ۴۹-۵۱).

این‌گونه بود که به‌بیان نویسنده، تهی‌دستان از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا نارضایتی خود را به وضعیت کار، مسکن، تورم، و محل زندگی‌شان نشان دهند و ناآرامی‌های بزرگ در تهران، شیراز، مشهد، اراک، و خرم‌آباد از نمونه‌های معروف شورش تهی‌دستان در اوایل دهه ۱۳۷۰ بود. هم‌چنین، شورش خیابانی مردم منجیل‌آباد و مسدودکردن جاده‌ها به‌دست آن‌ها در ماه‌های پایانی دولت اصلاحات از همین واکنش‌ها به‌شمار می‌رود (همان: ۵۸-۶۱).

سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، که سال‌های موردبحث در این اثر به‌شمار می‌رود و طی آن اصلاح‌طلبان به‌حاشیه رفته بودند، دورانی است که پوپولیسم در آن شخصی‌گرایانه می‌شود.

به این معنا که محمود احمدی‌نژاد، در مقام «رئیس‌جمهور فقرا و ضعفا» با شعار حمایت از طبقات پایین و با سردادن وعده‌هایی برای بهبود زندگی آن‌ها، آنان را به اتحاد با خود فراخواند (همان: ۶۱-۶۲)؛ دوره‌ای که نویسنده رویکردها و مناسبات پیوسته با آن را با عنوان «احمدی‌نژادیسیم» توصیف می‌کند که با انقلاب اقتصادی ناشی از «هدف‌مند کردن یارانه‌ها» و بسیج آرام تھی دستان پیوند می‌خورد:

دولت و متحدانش که با چنگ‌انداختن به عناصر پوپولیسم انقلابی به قدرت رسیده بودند، این بار کوشیدند تا با پیوند زدن برنامه آزادسازی به همان عناصر هم‌راهی تھی دستان را به دست آورند... بر این مبنا ادعا شد که این برنامه «کمک به محرومین»، «خدمت به پابرهنگان»، «مقابله با اشرافی‌گری»، و «بزرگ‌ترین مبارزه با فساد اقتصادی» است (همان: ۷۰-۷۱).

اما پس از آزادسازی و با شدت گرفتن نارضایتی عمومی از اوضاع معیشتی و اقتصادی، نمایندگان مجلس و روحانیون زبان اعتراض مردم «تجیب» و «شریف» شدند و دولت را برای بهبودبخشیدن به وضعیت تورم، بی‌کاری، و تنگ‌دستی در جامعه تحت فشار گذاشتند (همان: ۷۴).

این گونه بود که به بیان نویسنده تا اوایل دهه ۱۳۸۰ و در مدتی کم‌تر از سه دهه از مجموع بیش از «۵۰ درگیری و شورش شهری، افزون‌بر ۴۰ مورد در سکونتگاه‌های غیررسمی... از جمله مناطق حاشیه‌ای و جنوب تهران رخ داده بود» (همان: ۷۵).

در جمع‌بندی این فصل به این نکته اشاره شده است که بی‌نتیجه‌ماندن اعتراض‌های فردی و جمعی کارگران به تضييع حقوقشان به‌ناگزیر آن‌ها را بی‌آن‌که خود بخواهند، به میدان منازعه جدید کشیده بود که به‌طور روزمره در شهر برقرار بود: «حاشیه‌نشینان به‌نحوی عمل‌گرایانه درکنار اقدامات مستقیم خود، به جست‌وجوی جلب حمایت خیرین و مقامات حکومتی برآمدند و فعالیت‌های خودیاری و هم‌یاری را با حرکت‌های تصرف‌گرایانه کوچک و بزرگ درآمیختند».

همین مقدمه‌ای برای ورود به فصل بعدی به‌شمار می‌رود که با عنوان «خیریه‌ای شدن بقا» می‌کوشد تا نشان دهد که چگونه با افول رادیکالیسم اقتصادی دهه ۱۳۶۰، خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در سال‌های ریاضت اقتصادی از تھی دستان شهری حمایت کردند. نویسنده تلاش دارد تا با ارائه نمونه‌هایی جایگاه مؤسسات خیریه در ایران را، از ابتدای انقلاب تا دولت احمدی‌نژاد و طرح آزادسازی یارانه‌ها، تبیین کند. در این

فصل با توضیح کاهش تدریجی وسعت معنای لفظ «مستضعف» از ابتدای انقلاب تاکنون به این نقل قول از تلویزیون جمهوری اسلامی اشاره می‌شود: «این‌که در فرهنگ عمومی کلمه مستضعف را به‌عنوان ارزشی پایدار تقویت کنیم می‌تواند بدآموزی‌های هراس‌ناکی به فرهنگ عمومی و اقتصاد کشور تحمیل کند» (نهاداندیان ۱۳۸۸: مصاحبه در صداوسیما جمهوری اسلامی، به‌نقل از صادقی ۱۳۹۸: ۸۷).

نویسنده معتقد است که حضور این رویکرد موجب شد: «هویت و موجودیت اقشار فرودست به مقولاتی به‌مراتب محدود شده، ختشی و کم‌تر سیاسی نظیر آسیب‌پذیر، کم‌درآمد، و نیازمند برگردانده شود که به‌لحاظ سیاسی و اقتصادی هزینه کم‌تری برای دولت داشته است» (صادقی ۱۳۹۸: ۸۷).

نتیجه این‌که سازمان بهزیستی و کمیته امداد، به‌عنوان دو سازمان رسمی کمک به تهی‌دستان «مددجویان»، خود را محدود کردند و همین امر باعث شد که جمعیت بزرگی از فرودستان، هرچند از پس مخارج خود برنمی‌آمدند، به خود تکیه کردند و این آغاز شکل‌گیری مجموعه‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها در تهران و سپس در سراسر ایران شد که به‌نحوی مسالمت‌آمیز تلاش می‌کردند تا بخشی از ثروت برخورداران را میان نیازمندان تقسیم کنند و به‌نوعی کمبودها و نیازهای اساسی آنان را از جمله آذوقه، پوشاک، درمان، تحصیل، مسکن، اسباب و اثاثیه زندگی، و پول نقد برطرف کنند (همان: ۸۹-۹۴).

او در جمع‌بندی بحث خود در این فصل با اشاره به سه کارکرد خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد برای حکومت از جمله ساخت زیستی بخورونمیر برای ندارها، کاستن یا تطیف تضادهای طبقاتی، و هم‌چنین حفظ نظم شهر که با محبوس‌شدن حمایت‌شوندگان در خانه‌ها و مکان‌های کنترل‌شده اتفاق افتاده بود، به این نتیجه رسیده است که اتفاقاً این کارکردها در خدمت پیش‌برد اهداف نولیبرال دولت و کاستن از هزینه‌های اجتماعی و سیاسی آن‌ها بوده‌اند:

وقتی خیریه‌ها نتوانستند دست‌درازی بازار را به معیشت تهی‌دستان جبران کنند، حمایت‌شوندگان به استراتژی «پیش‌روی آرام» برای کارکردن و گذراندن زندگی به خیابان‌ها آمدند و ناخواسته رودرروی حامیان بالقوه و بالفعل خود قرار گرفتند (همان: ۱۳۰).

در فصل چهارم، که روایت تهی‌دستان از آغاز دهه ۱۳۹۰ به این‌سوست، نویسنده تلاش می‌کند تا با اشاره به «مبارزات آرام هرروزه تهی‌دستان در کوچه‌پس‌کوچه‌های محلات

فقیرنشین» نشان دهد که «چگونه مردم عادی با مخالفت‌ها و مقاومت‌های پراکنده، اما فراگیر دولت را هرچند موقت و ادار به عقب‌نشینی کردند و با کسب امتیاز از فرادستان تاحدی از حجم فشارهای اقتصادی بر خود کاستند» (همان: ۱۳۱). نویسنده درباره این فصل می‌آورد:

[این فصل] «دفاع از روشنایی خانه‌ها» نام دارد و به اعتراض‌ها و مخالفت‌های مردمی می‌پردازد که در ماه‌های نخست آزادسازی نسبت به افزایش قیمت بهای خدمات شهری صورت می‌گرفت؛ حرکتی که می‌توانست بهای سنگینی برای مرتکبین آن‌ها نیز داشته باشد، اما «مخالفت‌های مردمی» اقتصاد شهری را مختل کرد. امتناع تهی‌دستان از پرداخت به‌موقع قبوض مصرفی به‌سرعت به بحرانی جدی برای دولت و مجلس تبدیل شد... و این درحالی بود که دولت برای پرداخت یارانه‌های نقدی با کمبود بودجه مواجه بود (همان: ۱۳۵).

نویسنده بر این باور است که امتناع تهی‌دستان از پرداخت صورت‌حساب‌های خدمات شهری نه تنها مبارزه‌ای جمعی و آگاهانه برای متوقف کردن برنامه آزادسازی یا مقابله سیاسی با دولت نبود، بلکه نشان‌دهنده تقلاي آنان برای کسب دستاوردهای فوری به حساب می‌آمد. باین حال، چنین «ناجیش‌های» به‌شکل مقاومت‌های روزمره فردی و پراکنده در مناطق فقیرنشین روند آزادسازی را مختل می‌کرد (همان: ۱۵۳-۱۵۴).

علیرضا صادقی در فصل پنجم کتاب حاضر، با عنوان «خودمانی‌سازی بازار»، به شیوه خرید گروه‌های کم‌درآمد می‌پردازد که منابع و درنهایت انتخاب کم‌تری برای مصرف کالا و خدمات در اختیار دارند. در واقع، سؤال اصلی در این فصل این است: «در غیاب کانال‌های حمایتی، تهی‌دستان در واکنش به پیش‌روی بازار کدام استراتژی معیشتی را برای خرید کالا و خدمات موردنیازشان پی می‌گیرند؟» (همان: ۱۵۶).

نویسنده از اصطلاح «بازار خودمانی» برای توضیح این استراتژی استفاده می‌کند که در دوگانه‌هایی چون «گران/ارزان» یا «خرید/تعمیر»، «آزاد/دولتی»، و «نقدی/نسیه» تعیین می‌شود: «اما در این میان خرید نسیه مهم‌ترین سیاست معیشتی تهی‌دستان برای بقاست که می‌تواند دوگانه‌های دیگر را به هم بیاورد» (همان: ۱۵۶).

بازار خودمانی هم دقیقاً به همین شیوه خرید به‌شکل قسطی ارجاع دارد که به گروه‌های کم‌درآمد کمک می‌کند تا در بازاری منعطف‌تر و تقریباً غیررسمی و خودمانی نیازهای ضروری‌شان را به‌شکلی آبرومندانه برطرف کنند (همان: ۱۵۶-۱۵۷). از این روست که به‌بیان نویسنده، باوجود گذر از سیاست‌های ریاضتی دهه ۱۳۶۰، هنوز هم دوران «خرید مبتنی بر

نقدی بر کتاب زندگی روزمره تهی‌دستان شهری ... (بهارک محمودی و عباس وریج کاظمی) ۳۷۱

ضرورت» پایان نیافته است و دفترهای نسبه‌بقالی‌ها موضوعیت و کارکرد خود را از دست نداده‌اند و به سازوکاری حیاتی برای بقای جمعیت بزرگی از تهی‌دستان تبدیل شده‌اند (همان: ۱۸۶-۱۸۷).

«پیش‌روی در روزهای سخت»، که عنوان فصل ششم کتاب حاضر است، به سکونتگاه‌هایی می‌پردازد که حاشیه‌ای، غیرقانونی، غیرمجاز، نابه‌سامان، و غیررسمی خوانده می‌شوند: «سکونتگاه‌هایی که در واقع تمهیدی به‌شمار می‌روند که کم‌درآمدها برای دستیابی به سرپناه از آن استفاده می‌کنند، چراکه از عهده‌تهیه آن در بازار متعارف مسکن بر نمی‌آیند» (صادقی ۱۳۹۸: ۱۸۹، به نقل از اطهاری). از این روست که در این فصل نویسنده با رویکردی تاریخی و ارائه مثال‌هایی از دهه ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰، به سیاست‌هایی که تهی‌دستان برای ساختن سرپناه یا بهبودبخشیدن به خانه‌هایشان به‌کار می‌برند پرداخته است: «در سال‌های اخیر گروهی از تهی‌دستان توانسته‌اند خارج از ترتیبات قانونی از جمله برقراری روابط شخصی با مقامات محلی، توافق پولی غیرقانونی با شهرداری، و پرداختن رشوه خانه‌هایشان را توسعه داده و یا بهبود بخشند» (صادقی ۱۳۹۸: ۲۳۱).

فصل هفتم کتاب، با عنوان «موتورسواران معیشتی: شورشیان جدید خیابان»، به زندگی اشخاصی می‌پردازد که پس از بی‌کاری گسترده‌ای که از پی تعطیل شدن کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی برایشان پدید آمده بود، به موتورسواری و در واقع جابه‌جایی مسافر و کالا با موتورسیکلت پرداخته‌اند. نویسنده، که به این گروه از افراد «شورشیان جدید» خیابان می‌گوید، آن‌ها را گروه معیشتی جدیدی معرفی می‌کند که «ویژگی‌های متمایزی را در زمینه اشغال فضای شهری، شیوه‌های امرار معاش، روابط با طبقات و گروه‌های اجتماعی، و رویارویی با چالش‌ها و نیروهای نظم شهری دارند» (همان: ۲۳۵). نویسنده تلاش می‌کند در این فصل نشان دهد که این گروه از تهی‌دستان چگونه در شهر پیش‌روی و در واقع امرار معاش می‌کنند، آن‌ها به خیابان‌ها هجوم می‌آورند، و از فضای عمومی شهر به‌شکلی فعالانه بهره می‌جویند؛ شکلی از پیش‌روی و مقاومت که لزوماً همیشه هم برایشان مزیت به‌هم‌راه نداشته است (همان: ۲۶۲-۲۶۳).

فصل پایانی کتاب، با عنوان «بازاری شدن فزاینده فضاهای غیررسمی»، سعی دارد تا دیالکتیکی بودن فعالیت‌های صورت‌گرفته در قلمروهای غیررسمی را در برابر بازار و نهادهای دولتی توضیح دهد: «روایت‌های این کتاب نشان می‌دهد که اقشار پایین جامعه در کارزاری دائمی با رژیم خلع‌ید نولیبرال کوشیده‌اند تا به بقای خود ادامه دهند»

(همان: ۲۶۶). آن‌ها با یاری گرفتن از خیریه‌ها، کارشکنی در بازپرداخت قبوض خدمات، بهره‌گیری از بازارهای خودمآنی و غیررسمی، هجوم به خیابان‌ها با موتورسیکلت، و... شیوه‌های خاصی از زندگی را خلق و به مرکز تحمیل کرده‌اند: «حضور و مبارزه مستمر موتورسواران معیشتی در پایتخت و دیگر شهرها آشکار می‌کند که شهر نولیبرال فقط با منطق غارت‌گری کار نمی‌کند، بلکه شهر، شهر تهی‌دستان هم هست» (همان: ۲۷۱).

۳. توصیف و نقد روش‌شناسی کتاب

هم‌چنان‌که از محتوای کتاب آشکار است، نویسنده با بیان این نکته که این مطالعه در حوزه مطالعات مردم‌نگارانه قرار می‌گیرد، از تلاش خود برای ثبت «داستان زندگی» آدم‌ها و پیوند آن‌ها با ساخت‌های کلان و جریان‌های اقتصادی و اجتماعی زمانه سخن گفته است. از این رو، صادقی کوشیده است تا براساس آنچه کرسول رویکرد «تور بزرگ» می‌نامد «محیط‌ها، اشخاص یا وقایعی انتخاب شوند که اطلاعات مفیدی درباره زیست تهی‌دستان به دست می‌دهند» (صادقی ۱۳۹۸: ۳۹).

در نهایت، برای دست‌یابی به نتیجه بیش از ۱۴۰ گفت‌وگوی کوتاه و بلند انجام‌شده و هم‌چنین بیش از ۱۵۰ نامه از مجموع نامه‌هایی که تهی‌دستان برای مقام‌های دولتی از جمله فرمان‌دار، استان‌دار، و رئیس‌جمهور نوشته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته است. علاوه بر این‌ها، برای تکمیل داده‌ها محقق از داده‌های جمع‌آوری‌شده از روش پیمایش، که در محله‌های تهی‌دست‌نشین حاشیه تهران به دست آمده‌اند، بهره برده است.

این‌گونه است که مشخص می‌شود کتاب از طریق روش تحقیق ترکیبی کار خود را به جلو می‌برد. از یک سو، از تحلیل اسناد استفاده می‌کند و از دیگر سو، به سراغ روشی نزدیک به اتنوگرافی می‌رود. به لحاظ روش‌شناسی، نویسنده شیوه‌های متفاوتی از جمع‌آوری اطلاعات را به کار می‌گیرد که در نوع خود نوآورانه است. عمدتاً در روش تحقیق گفته می‌شود که از نوعی روش مثلث‌سازی بهره برده شده است. از این رو، باید گفت نویسنده به خوبی ابعاد مختلف داده را در نظر گرفته است. برای مثال، هم از نظرسنجی‌های موجود در جوامع مورد مطالعه استفاده کرده و هم به تحلیل محتوای نامه‌هایی پرداخته است که در سفرهای استانی رئیس‌جمهوری نوشته شده‌اند. مصاحبه کیفی با افراد ساکن در محلات مورد مطالعه روش دیگر کار بوده است. جدای از این منابع، نویسنده به سراغ

برنامه‌ها و قوانینی مانند هدف‌مندی یارانه رفته و تأثیر چنین برنامه‌هایی را در زندگی تهی‌دستان شهری دنبال کرده است. استفاده از منابع مکتوب در گزارش‌های مطبوعاتی راهی دیگر برای تکمیل منابع تحقیق بوده است. در آخر، جدای از بررسی تحقیقات گذشته محقق، از روش بینامتنیت هم استفاده کرده و منابع بصری چون فیلم‌ها را در تحلیل خود در نظر داشته است.

نکته‌ای که درباره روش‌شناسی کار قابل ذکر است، این است که هرچند محقق داعیه مردم‌نگاری دارد (هم‌چنان‌که در صفحه ۳۹ کتاب اشاره می‌کند که رویکرد میدانی موردنظر او مردم‌نگاری است)، اما روش به‌کار برده‌شده برای دستیابی به نتیجه صرفاً مردم‌نگاری نیست، زیرا بسیاری از تکنیک‌های به‌کار گرفته‌شده از جمله مطالعات اسنادی و استفاده از پرسش‌نامه در دایره مطالعه مردم‌نگارانه قرار نمی‌گیرند. این‌طور به‌نظر می‌رسد که محقق دست به مصاحبه زده است و از داستان‌های زندگی می‌گوید، اما خواننده را از شیوه‌های دستیابی به اطلاعات در این مصاحبه‌ها که باید از طریق مشاهدات مشارکت‌جویانه و حضور او در میدان مطالعه حاصل شوند، مطلع نکرده است. نکته این‌جاست که یک مطالعه مردم‌نگارانه با مشاهده مشارکتی و حضور محقق در میدان و توصیف جزئیات تجربه روزمره او در میدان تحقیق است که تحقق می‌یابد. مطالعه مردم‌نگارانه مطالعه‌ای فضامند است که از مصاحبه، پرسش‌نامه، و مطالعه اسنادی پافراتر می‌گذارد و با تجربه بی‌واسطه زندگی در میان مردمان موضوع مطالعه، ایجاد رفاقت، و کسب اعتماد دوباره از آن‌ها شکل می‌گیرد؛ روندی که براساس ادعاهای مقدماتی نویسنده کتاب انتظار می‌رفت که صورت گرفته باشد، اما داده‌های حاضر باوجود تنوع و گستردگی، کماکان از فاصله محقق و میدان تحقیق حکایت دارند.

۴. نقد شکلی اثر

کتاب حاضر از صفحه‌آرایی قابل‌قبولی برخوردار است که از شیوه استاندارد کتاب‌های انتشارات آگاه پیروی می‌کند. استفاده از کاغذ کاهی وزن آن را سبک و حمل‌ونقل آن را آسان کرده است. متن کتاب به‌خوبی ویراسته شده است و غلط‌املائی یا تاپیی در آن دیده نمی‌شود. از آن‌جاکه کتاب زیرنویس‌های زیادی دارد، اشاره به این نکته ضروری است که زیرنویس‌ها نیز به‌دقت ویرایش شده‌اند و از استاندارد مطلوبی برخوردارند. کتاب هفت فصل اصلی و یک جمع‌بندی دارد که هر یک از فصول به‌لحاظ حجمی از میزان تقریباً

مشابهی برخوردارند و بخش‌هایی چون مقدمه و نتیجه‌گیری در تمامی آن‌ها ارائه شده است، اما نویسنده نثری کاملاً خشک و علمی برای نگارش کتاب خود به‌کار برده است که همین امر خواندن آن را دشوار می‌سازد؛ به این شکل که هرچند مثال‌ها و نمونه‌های بسیار خواندنی در این کتاب گنجانده شده، مواجهه خشک نویسنده به‌لحاظ نثری با این مثال‌ها از جذابیت آن‌ها کاسته است.

۵. نقد محتوایی اثر

هم‌چنان‌که در مقدمه این نوشته اشاره شد، زندگی روزمره تهی‌دستان شهری در دهه ۱۳۹۰ در کانون بحث کتاب قرار دارد. نویسنده در کتاب ادعا کرده است که در دهه‌های اخیر در نتیجه سیاست‌های اقتصادی، طبقات فرودست شکل زندگی متفاوتی یافته‌اند و جمعیت قابل توجهی از جامعه، به‌خصوص جامعه شهری، را در بر گرفته‌اند. در این‌جا نویسنده معتقد است که زندگی تهی‌دستان شهری را باید فراتر از دوگانه تسلیم/شورش به‌کار بُرد و در ادامه کوشیده است که این مسیر متفاوت را، که به‌تعبیری مقاومت نامیده می‌شود، به‌عنوان راهی برای دگرگون کردن محیط فرودستان، بدون انقلاب یا اعتراض، توضیح دهد، اما آیا مسیری که پژوهش‌گرانی پیش‌ازین، مانند آصف بیات، به‌عنوان مقاومت نامیده‌اند، در عمل می‌تواند به‌مثابه راه‌حل مشکل فرودستان در نظر گرفته شود؟ هم‌چنین، فراتر رفتن از دوگانه تسلیم/شورش، غیر از مقاومت، یک راه کلاسیک به‌نام انقلاب هم دارد که نویسنده آن را از دایره بحث خود خارج کرده است.

به‌کارگیری رویکرد نظری آصف بیات می‌تواند روشنایی زیادی بر موضوع مطالعه حاضر بیفکند، اما محقق برخلاف این رویکرد نظری در نشان‌دادن جزئیات هم‌یاری‌های درون شبکه فرودستان موفق عمل نکرده است.

فرودستان در این کتاب استراتژی‌های زیر را اتخاذ کرده‌اند:

- مبارزه و شورش در خیابان؛
 - دست‌فروشی و تصرف خیابان و مشاغل غیررسمی؛
 - استفاده رایگان از امکانات دولتی و ساخت سکونتگاه‌های غیررسمی؛
 - درآمیختن فعالیت خودیاری و هم‌یاری با حرکت‌های تصرف‌گرایانه کوچک و بزرگ
- (صادقی ۱۳۹۸: ۸۲).

در نگاه اول، گویا مقوله فرودستان یک پارچه دیده شده و اقدامات برخی بر برخی دسته دیگر سوار شده است، اما در مرتبه دوم، همه اقدامات در یک سطح نیستند؛ دست‌فروشی که نوعی اقدام برای درآمدزایی قشرهای تهی‌دست است، با تملک زمین‌های شهری یکی پنداشته می‌شود. نکته این‌جاست که ما در این کتاب هیچ وجه انتقادی به خود فرودستان شهری نمی‌بینیم و به‌نحوی، هرگونه اقدام از سمت آنان به‌عنوان عملی مقاومت‌آمیز ستایش می‌شود. درواقع، این‌گونه هم می‌توان گفت که نویسندگان در برخی جنبه‌ها مقاومت را به نافرمانی مدنی تقلیل داده است؛ نمونه‌هایی چون دورزدن قوانین و استفاده از منابع انرژی رایگان از راه‌های غیرقانونی مانند سیم‌کشی غیرقانونی برق. پرداخت نکردن قبوض بیش‌تر به نافرمانی مدنی شبیه است تا مقاومت. بدین ترتیب، اگر هرگونه نافرمانی از سوی طبقات تهی‌دست تظہیرسازی شود، آن وقت ما هیچ معیاری برای مفهوم مقاومت در اختیار نخواهیم داشت.

نکته دوم به ارتباط میان سیاست‌های فقیرسازی جامعه با سیاست‌های دولتی پوپولیستی ارجاع دارد. نویسنده تأکید دارد که قرار است از یک‌سو، جنبه‌های مقاومت مردمی در زندگی روزمره و ازدیگرسو، مخاطرات پوپولیسم را یادآور شود که «پوپولیسم سیاسی از قضا مهم‌ترین و فراگیرترین نیروی پیش‌برنده نولیبرالیسم بوده است. به عبارت دیگر، دوگانه ساختگی پوپولیسم/نولیبرالیسم در عمل هم‌زیستی و حتی هم‌افزایی میان این دو را پوشیده نگه داشته است» (همان: ۴۵). اگرچه کتاب مملو از شواهدی بسیار درباره مقاومت‌های به اصطلاح تهی‌دستانه است، اما حقیقت این است که چندان به مخاطرات این پوپولیسم نپرداخته است.

در این کتاب ما با شواهد بسیاری بر ابعاد مقاومتی میان مردمان فرودست مواجه می‌شویم: «در دورانی که زنان و مردان طبقه متوسط شهری برای آرمان «جامعه باز» تقلا می‌کردند، تهی‌دستان برای بقا درون «جامعه بازار» می‌جنگیدند» (همان: ۵۷). یا این‌که «مبارزه تهی‌دستان به معابر عمومی نیز کشیده می‌شد، جایی که جمعیت انبوهی از بی‌کاران به مشاغل غیررسمی خیابانی روی می‌آوردند» (همان: ۵۸)؛ یا در جای دیگری گفته شده است: «تهی‌دستان از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا نارضایتی خود را به وضعیت کار، مسکن، تورم، و محل زندگی‌شان نشان دهند... نمونه‌های معروف شورش تهی‌دستان در اوایل دهه هفتاد است» (همان: ۵۹). درعوض، به استفاده از نیروی پوپولیسم در دولت احمدی‌نژاد اشاره کمی شده است (همان: ۶۲).

نکته سوم این است که این پرسش را باید مطرح کنیم که نویسندگان چه کسانی را در زمره فرودستان مطالعه کرده و در مقابل از چه گروه‌هایی از فرودستان غفلت کرده است؟ افرادی که در این کتاب مطالعه شده‌اند گروه‌های زیر را در بر می‌گیرند:

- حمایت‌شدگان خیریه‌ها؛
 - کارگران غیررسمی خیابانی؛
 - تصرف‌کنندگان زمین و املاک در مناطق فقیرنشین؛
 - و کسانی که به‌سختی از پس تأمین مایحتاج زندگی روزانه خود برمی‌آیند (همان: ۱۱).
- اگر نگاهی بدین دسته‌بندی بیندازیم، متوجه هم‌پوشانی برخی گروه‌ها با یکدیگر می‌شویم؛ مانند این که ممکن است تصرف‌کنندگان زمین در مناطق فقیرنشین با کارگران غیررسمی خیابان‌ها تداخل داشته باشند. همین‌طور، گروه‌هایی از تهی‌دستان نیز که در مطالعه حاضر نیامده‌اند مورد پرسش ما قرار می‌گیرند. این‌که ملاک تعیین گروه‌های تهی‌دستان در این مطالعه چه بوده است؟ مهم‌تر این که در شکل کلی این دسته‌بندی به‌نوعی مردانه تلقی می‌شود و اشکال زنانه فرودستی را به‌حاشیه می‌راند؛ مانند دست‌فروشان مترو، کارگران خدمت‌کار خانه، پرستاران، و صاحبان مشاغلی مانند بسته‌بندی مواد غذایی، و همین‌طور کودکان کار نادیده گرفته شده‌اند.

نکته چهارم در نقد کتاب به غفلت نویسنده از اقتصاد سیاسی برمی‌گردد. مشاغلی چون زیاله‌جمع‌کنی، دست‌فروشی، پیک‌های موتوری، یا پارک‌بانی در پشتشان نوعی از اقتصاد سیاسی نهفته است که بیش‌ازآن که به مقاومت مرتبط باشد، در ادامه سازوکار سلطه و بازتولید فقر باید درک شود یا این که مشاغلی چون موتورسواری نه «شورش در خیابان»، بلکه تلاش برای بقا در شرایط بسیار مستأصل‌کننده است. اگر آن را شورش و تصرف خیابان بدانیم، آن‌گاه ناچاریم وضعیت فقرا را مثبت یا تحول‌یابنده تصور کنیم، اما اگر آن را صرفاً تلاش برای زیستن بدانیم، همین تاکتیک‌های بقای نوعی تداوم فرودستی و فقیرسازی تصور خواهد شد. از این‌روست که نویسنده به‌گمان ما برخطاست وقتی می‌نویسد که تهی‌دستان به‌شکل «عمل‌گرایانه، محتاطانه، آرام، و عمدتاً فردی» زندگی‌شان را بهبود بخشیدند؛ مثلاً «موتورسواران معیشتی به خیابان‌ها هجوم آوردند و فضاها را شهری را برای امرار معاش خود به‌اشغال درآوردند» (همان: ۲۶۸)، درحالی‌که آن‌ها زندگی‌شان را نه تنها بهبود بخشیده‌اند، بلکه موقعیت فرودستانه خود را نیز تحکیم بخشیده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

باتوجه به نوع نگاه نویسنده به زندگی فرودستان شهری و راه‌کارهای بقایشان، می‌توان این‌گونه پنداشت که کتاب نه تنها نگاهی پاستورال و مثبت به زندگی فقرا دارد، بلکه بسیاری از اقدامات خراب‌کارانه و غیرقانونی آن‌ها را بخشی از مقاومت آن‌ها تلقی می‌کند؛ نوعی از تلقی که می‌تواند به نوعی توجیه و حق‌دادن به نافرمانی‌های مدنی فرودستان به‌شمار رود. مقاومت در این دیدگاه با مفهوم نافرمانی مدنی هم‌راه است و نه ضرورتاً اقدامات فعالانه، خلاقانه، یا پیش‌روانه. همین‌طور، مقاومت در این دیدگاه نباید به معنای بهبود زندگی تهی‌دستان فهم شود، بلکه بیش‌تر فهم کتاب از زندگی فقرا را باید به‌عنوان بخشی از خوانش طبقات مسلط از تهی‌دستان جای داد. ناگفته نماند که این دست نافرمانی‌های مدنی در جامعه ایران مختص به فرودستان نیست و از قضا تجربه زیسته نشان می‌دهد که این‌گونه اقدامات به اشکال گوناگون، از جمله فرارهای مالیاتی یا تغییر درجه کتورهای آب‌وبرق، در طبقات متوسط و بالای اجتماع نیز دیده می‌شود. برای گریز از نگاه پاستورال به این موضوع شاید لازم باشد نویسنده از سطح فردی به سطح ساختارها و روابط نهادی بپردازد و مناسبات ناعادلانه را در آن سطح بررسی کند. به‌طور کلی دیدگاه انتقادی نویسندگان این مقاله را می‌توان در بندهای زیر خلاصه کرد:

- گریز از معصوم جلوه‌دادن تهی‌دستان شهری؛
- تفکیک مقاومت با نافرمانی مدنی؛
- توجه به شبکه‌های روابط تقویت‌کننده درون زندگی تهی‌دستان؛
- و درنهایت توجه به اقتصاد سیاسی و سطوح ساختاری فقیرسازی.

اما ذکر این نکته لازم است که انتقاد از ابعاد مغفول کار به‌هیچ‌وجه به معنای فروگذار کردن ارزش کتاب زندگی روزمره تهی‌دستان شهری نیست، زیرا توجه به مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است نشان می‌دهد که علیرضا صادقی یکی از جدی‌ترین مطالعات را در این حوزه در دهه ۱۳۹۰ انجام داده است؛ مطالعه‌ای که می‌تواند به‌عنوان الگویی برای مطالعات دیگر در نظر گرفته شود. همین‌طور، محقق توانسته است منابع متعددی را برای پژوهش خود به‌کار گیرد و آن‌ها را در گزارش خود درهم آمیزد. توجه به جزئیات زندگی تهی‌دستان شهری حُسن دیگر تحقیق است که صادقی توانسته است آن را از میان لایه‌های متعدد نامه‌ها، گزارش‌های مطبوعاتی، تحقیقات پیشین، و مصاحبه‌ها به‌تصویر بکشد.

کتاب‌نامه

ایثاری، مریم و علی‌رضا شجاعی‌زند (۱۳۹۹)، «زمینه‌ها و فرایندهای شکل‌گیری زیست‌غیررسمی زباله‌گردی: مطالعه موردی کارگران افغانستانی در ایران»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱۰، ش ۱.

پروین، ستار، محمدرحیم صغری، و عبدالحسین کلاتتری (۱۳۹۳)، «تجربه روزمره کارگران میادین میوه‌وتره‌بار: با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، ش ۱. ثقفیان، سپیده (۱۳۹۸)، در تقاطع سنت، فقر و جنسیت: یک مردم‌نگاری چندمیدانه در جنوب شهر تهران، تهران: خرد سرخ.

جمعی از کارگران پروژه‌ای جنوب (۱۳۹۴)، «کارگران پروژه‌ای»:

<https://www.processgroup.org>.

شهرام‌نیا، امیرمسعود، محمد کوراوند، و مرضیه فدایی ده‌چشمه (۱۳۹۹)، «نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان در سه روی‌داد اجتماعی مهم ایران»، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، س ۱۶، پیاپی ۵۰.

صادقی، علیرضا (۱۳۹۸)، زندگی روزمره تهی‌دستان شهری، تهران: آگاه.

غزنویان، محمد (۱۳۹۵)، تأملاتی درباب خارج از محدوده، استکهلم، بازیابی در:

<https://www.Praxies.org>.

فتاحی‌زاده، ابوذر و محمدجواد عبداللهی (۱۳۹۸)، «مسئله عاملیت سیاسی فرودستان در تاریخ فرهنگی: یک مطالعه مقایسه‌ای»، دوفصل‌نامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، س ۲۹، پیاپی ۲۳.